

اثر مخارج دفاعی بر توسعه انسانی در پرتو درجه توسعه‌یافتگی کشورهای منتخب با تأکید بر کشور جمهوری اسلامی ایران

حسن ملاسمعیلی دهشیری^۱
فرهاد غفاری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۰۳

چکیده

یکی از اهداف کلان اقتصادی هر کشوری ایجاد رفاه اجتماعی و توسعه پایدار است که جز با بهبود وضعیت زندگی و درآمد که همان ارتقا توسعه انسانی است، امکان پذیر نیست. یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه انسانی مخارج دولت است. تأثیر مخارج دولت از جمله مخارج دفاعی بر متغیرهای اقتصادی همواره یکی از موضوعات مهم اقتصاد خصوصاً اقتصاد دفاعی بوده است به طوری که بسته به مکانیسم تعامل میان آن‌ها چگونگی اثرات متفاوت است. با توجه به ضرورت و اهمیت این حوزه، در این تحقیق به تحلیل اثرات مخارج دفاعی بر توسعه انسانی چهار گروه منتخب از کشورها با درجات توسعه‌یافتگی مختلف طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ به روش داده‌های پانلی پرداخته شد. بر اساس نتایج تحقیق مخارج دفاعی در گروه کشورها با درجه توسعه‌یافتگی بسیار بالا ($HDI > 0.8$) و گروه کشورها با درجه توسعه‌یافتگی متوسط ($0.5 < HDI < 0.7$) اثر منفی و معنادار بر توسعه انسانی دارد. اثر این شاخص در گروه کشورها با درجه توسعه‌یافتگی بالا ($0.8 < HDI < 0.7$) که شامل ایران نیز هست بر توسعه انسانی مثبت و معنادار است. در گروه کشورها با درجه توسعه‌یافتگی پایین ($HDI < 0.5$) اثر شاخص مخارج دفاعی بر توسعه انسانی معنادار نیست. **واژگان کلیدی:** شاخص توسعه انسانی، مخارج دفاعی، اقتصاد دفاعی، داده‌های پانلی.

^۱ دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (hmesmaili@gmail.com)

^۲ دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (Farhad.ghaffari@yahoo.com)

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهداف جوامع اقتصادی دستیابی به توسعه اقتصادی خصوصاً توسعه پایدار است. توسعه اقتصادی به مفهوم بهبود کیفیت زندگی است که با شاخص‌های مختلفی بیان شده است. مهم‌ترین و مقبول‌ترین شاخص مورد استفاده در مورد توسعه اقتصادی، شاخص توسعه انسانی است که سه بعد زندگی استاندارد و شایسته، آموزش و درآمد سرانه را دربرمی‌گیرد. با توجه به اهمیت و جایگاه شاخص توسعه انسانی در اهداف و سیاست‌گذاری جوامع اقتصادی، شناسایی عوامل مؤثر بر این شاخص امری ضروری و حائز اهمیت است یکی از موارد مؤثر بر این شاخص نظامی‌گری و مخارج دفاعی است. با توجه به اینکه مخارج دولت (که مخارج دفاعی بخشی از آن را تشکیل می‌دهد) معمولاً سهم قابل‌ملاحظه‌ای از درآمد ملی را به خود اختصاص می‌دهد، در صورتی که به‌طور مناسب هزینه شود، می‌تواند موجب تحرک اقتصادی گردد و به دنبال آن زمینه ایجاد رشد اقتصادی و توسعه و رفاه جامعه را فراهم آورد (شریفی و علیزاده، ۱۳۸۱). با توجه به اهمیت روزافزون توسعه انسانی که مشتمل بر پارامترهایی نظیر آموزش، بهداشت، امید به زندگی، درآمد سرانه و ... می‌باشد و نقشی که مخارج دفاعی می‌تواند در تأمین امنیت اجتماعی اقتصادی ایفا کند، ضرورت دارد تا ارتباط میان پارامترهای مذکور که نشان‌دهنده درجه توسعه‌یافتگی جوامع بشری است با مخارج دفاعی مشخص گردد، لذا هدف در این تحقیق تبیین ارتباط میان شاخص توسعه انسانی و مخارج دفاعی در میان گروه‌های منتخب کشورها با درجات توسعه‌یافتگی مختلف (که شامل چهار گروه توسعه بسیار بالا، توسعه بالا، توسعه متوسط و توسعه پایین) است، چراکه با مقایسه و تحلیل اثرات مخارج دفاعی بر توسعه انسانی در کشورها با درجات توسعه‌یافتگی مختلف می‌توان به درک صحیح و شناخت کافی در این زمینه رسید و راهکارهای سیاستی اصولی در جهت بهبود توسعه انسانی ارائه کرد.

در این مقاله سعی شده تا اثر مخارج دفاعی رسمی بر شاخص توسعه انسانی چهار گروه منتخب کشورها بررسی گردد تا بتوان در جهت ارائه راهکارها و سیاست‌های بهتر در جهت بهبود توسعه انسانی گام برداشت. در همین راستا فرضیه تحقیق عبارت است از: مخارج دفاعی تأثیر مثبت و معنادار بر توسعه انسانی هر چهار گروه منتخب کشورها دارد.

در ادامه بحث ابتدا مبانی نظری تشریح می‌شود. بعدازآن مطالعات تجربی صورت گرفته در این زمینه موردبررسی قرار گرفته است، در بخش بعد بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی گذشته، مدل ارائه می‌شود و متغیرها تعریف می‌شوند و نتایج حاصل از تخمین موردبحث و بررسی قرار می‌گیرد و در پایان نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای سیاستی در جهت بهبود توسعه انسانی کشورهای منتخب ارائه می‌گردد.

۲. مبانی نظری و مطالعات تجربی

یکی از موضوعات مهم علم اقتصاد دفاع، به‌عنوان شاخه‌ای جدید و رو به توسعه از علم اقتصاد، ارزیابی تأثیر هزینه‌های نظامی بر عملکرد اقتصادی جامعه می‌باشد. با وجود اینکه در سال‌های اخیر، (و بعد از پایان یافتن جنگ سرد)، نرخ افزایش مصارف نظامی رو به کاهش بوده است، اما هنوز در غالب مناطق جهان مخارج نظامی همچنان در سطح بالایی قرار دارد. موضوع اقتصاد و رابطه آن با نظامی‌گری، بحث بسیار مهم و

پیچیده‌ای است که از زوایای مختلف قابل تأمل و بررسی است. اقتصاد از ناحیه فعالیت‌های نظامی هم می‌تواند توسعه یابد و هم مورد آسیب قرار گیرد. آنچه حائز اهمیت است شناسایی و تحلیل اثرات مخارج دفاعی بر عملکرد اقتصادی است.

۲-۱. توسعه انسانی

توسعه و توسعه‌یافتگی از جمله مباحثی است که همواره ذهن سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به خود مشغول کرده است. کشورهای مختلف و حتی مناطق تشکیل‌دهنده آن‌ها خواهان دستیابی به سطحی از توسعه معتدل و پایدار هستند که بتواند به بهبود زندگی تمامی مردمان بیانجامد؛ اما این که توسعه چیست و انتظار مردم و جامعه از این فرایند چیست، اصلی‌ترین سؤالی است که شاید پاسخ واحدی به آن داده نشده است. تعاریف مختلف و متعددی از توسعه ارائه شده است که به‌رغم متفاوت بودن آن‌ها، همگی بر گستردگی و چندبعدی بودن توسعه اتفاق نظر داشته و غایت آن را بهبود شرایط زندگی و یا به عبارتی زندگی بهتر و برتر برای تمامی نسل‌ها می‌دانند. هرچند اندازه‌گیری و محاسبه کمی توسعه‌یافتگی کشورها و مناطق به دلیل ماهیت توسعه، امری کاملاً شدنی نیست، لکن شرط اساسی موفقیت برنامه‌های توسعه بحث نظارت بر برنامه و همچنین ارزیابی میزان تأثیرگذاری آن بر مؤلفه‌های مختلف توسعه است. از این‌رو، متخصصان امور توسعه و ارگان‌های مختلف سعی کرده‌اند با استفاده از روش‌ها و شاخص‌های مختلف، سطح توسعه‌یافتگی را ارزیابی نموده و بر اساس آن به مقایسه مناطق کوچک با یکدیگر و همچنین بررسی بهبود و یا عدم بهبودی وضع آن‌ها در زمان‌های گوناگون بپردازند. شاخص‌های ترکیبی متعددی نیز جهت ارزیابی توسعه‌یافتگی ارائه شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها شاخص توسعه انسانی^۱ است.

شاخص توسعه انسانی یک شاخص آماری ترکیبی است که توسط برنامه سازمان ملل برای توسعه^۲، در سال ۱۹۹۰ به منظور ارزیابی سطح توسعه انسانی کشورهای مختلف دنیا، ایجاد و از سال ۱۹۹۱ میلادی به مرحله اجرا گذاشته شد و از آن‌پس هر ساله فهرستی از کشورهای جهان را به ترتیب بالاترین تا پایین‌ترین رتبه‌ها را در مقایسه با نمودارها و کشورهای دیگر منتشر می‌کند. بنیان‌گذار این شاخص، اقتصاددانی پاکستانی به نام محبوب الحق بوده است و با استفاده از مفاهیم و روش‌های تعریف‌شده توسط آمارتیا سن، استاد هندی دانشگاه هاروارد و برنده جایزه نوبل اقتصاد و با بودجه سازمان ملل متحد اجرا می‌شود. شاخص توسعه انسانی بر روی سه معیار اساسی پی‌ریزی شده که عبارت‌اند از:

- زندگی سالم و طولانی: به‌وسیله معیار امید به زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود و بیانگر سطح بهداشت هر کشور می‌باشد. این اندازه‌گیری به‌طور غیرمستقیم چگونگی وضعیت تأمین نیازهای اساسی زیست، مانند دسترسی به غذای سالم، آب آشامیدنی، مسکن مناسب، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی را مشخص می‌سازد.

^۱ Human Development Index

^۲ United national development Programs

- سطح آموزش: تعداد افراد مشغول به تحصیل در سطوح مختلف، نرخ ثبت‌نام در مدارس و همچنین نرخ بی‌سوادی در میان افراد بالغ را لحاظ می‌کند.
 - سطح زیست و زندگی استاندارد و شایسته: از روی تولید ناخالص داخلی سرانه در برابری با قدرت خرید، به منظور لحاظ کردن آن عناصری از کیفیت زندگی، مانند دسترسی به فرهنگ که دو معیار بالا آن را مورد توجه قرار نمی‌دهند، مشخص می‌کند.
- شاخص توسعه انسانی از میانگین حسابی سه شاخص بالا بدست می‌آید. هرچند مفهوم توسعه انسانی بسیار وسیع‌تر از آن چیزی است که UNDP معرفی می‌کند و بسیاری از ابعاد توسعه نظیر نابرابری‌ها و تغییرات سیاسی را در نظر نمی‌گیرد اما این شاخص از مقبولیت بسیار بالایی در جوامع برخوردار است و تا قبل از معرفی این شاخص توسط UNDP توسعه انسانی توسط شاخص درآمد سرانه ملی و یا GDP تعیین می‌شد که برای این منظور غیردقیق بوده و معیارهای کیفی را در نظر نمی‌گیرد (ملاسمعیلی دهشیری و شریفی رنانی، ۱۳۹۲).

۲-۲. اقتصاد دفاع و مخارج دفاعی

اقتصاد دفاع، شاخه‌ای جدید از مطالعات اقتصادی است که با توجه به مسائلی در خصوص تجهیز و بهره‌برداری از منابع، نیروی انسانی و تجهیزات دفاعی، در زمان جنگ جهانی دوم توسعه پیدا کرد. اقتصاد دفاعی به بررسی مسائل دفاع و امور مربوط به آن نظیر خلع سلاح، صلح، امنیت، اجتناب از جنگ، خاتمه دادن به جنگ، عوامل ایجاد آن، مدیریت جنگ، تخصیص منابع، توزیع درآمد، رشد، ثبات اقتصادی و... می‌پردازد. با توجه به مفهوم دفاع، اقتصاد دفاعی شامل بررسی تأثیر کمبود منابع در محدود کردن فعالیت‌های تدافعی کشورها و درعین‌حال توسعه این قبیل فعالیت‌هاست. به‌علاوه با توجه به اینکه ملت‌ها در نظامی بین‌المللی فعالیت می‌کنند که شامل دیگر دولت‌ها و تعداد بی‌شماری از عاملان غیردولتی است، اقتصاد دفاعی باید به تعامل‌های میان کشورهای مختلف که در جستجوی تأمین امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی که خود جزئی از آن‌ها هستند، وحدت بخشد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت اقتصاد دفاعی تأثیر فعالیت‌های دفاعی بر سطح گسترده اقتصاد بین‌المللی و اثر این نظام اقتصادی بر امر دفاع را تعیین می‌کند.

۲-۳. کانال‌های اثرگذاری مخارج دفاعی بر توسعه انسانی

۲-۳-۱. کانال تقاضا

از زاویه اثرات مثبت تقاضا، یک افزایش برون‌زا در مخارج نظامی، سمت تقاضای اقتصاد را تحریک و افزایش می‌دهد. افزایش تقاضای کل از طریق مخارج نظامی باعث می‌شود که میزان بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی کشور افزایش یافته و افزایش نرخ بهره‌وری ناشی از آن موجب شود که افزایش تقاضا بدون افزودن بر نرخ تورم، موجب ارتقای سطح تولید از طریق ضریب فزاینده (تکثیر) کینزی و درنهایت رشد اقتصادی (درآمد سرانه) شود. به‌علاوه اینکه، اگر هزینه‌های نظامی صرف تولید تجهیزات و ادوات نظامی نیز شود،

¹ Defense Economics

صادرات آن می‌توان باعث بهبود تراز تجاری شده و درآمد سرانه را افزایش دهد (دان و همکاران، ۲۰۰۵). در نقطه مقابل، از زاویه اثرات منفی تقاضا، گسترش مخارج نظامی با توجه به محدودیت بودجه دولت، از طریق اثر جایگزینی این مخارج با مخارج غیرنظامی بخش عمومی (مانند مخارج آموزشی و بهداشتی)، افزایش مالیات‌ها و بدهی‌های خارجی و گسترش حجم پول، باعث کاهش رشد و درآمد سرانه می‌شود (یلدیریم و همکاران، ۲۰۱۱). این مسئله را می‌توان بر اساس مثال کلاسیکی «جایگزینی اسلحه با رفاه» نیز تشریح کرد. بر این اساس خرید اسلحه با توجه به کمبود ارز، منابع موجود را برای واردکردن کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌گذاری در جهت بهبود رشد اقتصادی بلندمدت پایدار، کاهش می‌دهد. (نارایان و اسمیت، ۲۰۰۹). علاوه بر این، چنانچه هزینه‌های نظامی عمدتاً صرف واردات تجهیزات و ادوات نظامی شود (که در کشورهای درحال توسعه، معمولاً این چنین است)، با توجه به تأثیر منفی آن بر روی تراز تجاری، می‌تواند رشد و درآمد سرانه را کاهش دهد (میو، ۲۰۱۳).

۲-۳-۲. کانال عرضه

افزایش مخارج دفاعی از طریق بکارگیری نهاده‌های تولید نظیر سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و منابع طبیعی و تکنولوژی سطح تولید بالقوه را افزایش و ظرفیت‌های خالی اقتصاد را پر نماید و از این طریق به رشد درآمد کمک کند، البته ممکن است این کانال مانند کانال تقاضا از طریق تغییر موجودی سرمایه و اثر جایگزینی مخارج نظامی به‌جای مخارج سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی را کاهش دهد (دان و همکاران، ۲۰۰۵).

۲-۳-۳. کانال امنیت

امنیت نوعی کالای عمومی است که خصوصیات غیرقابل استثنا کردن و غیررقابیتی بودن در مصرف، در آن وجود دارد. این ویژگی‌ها موجب شده است تا تأمین مالی هزینه‌های دفاعی توسط بخش‌های غیر دفاعی توجیه شود؛ به عبارت دیگر بخش دفاعی که اغلب تولیدکننده نوعی کالای عمومی خاص است با سایر بخش‌های اقتصاد شباهتی ندارد. لذا برای تأمین مالی فعالیت‌های این بخش، ضروری است که یک نظام مالیاتی اجباری بر سایر بخش‌ها تحمیل شود. این امر می‌تواند کاهش سطح درآمد سرانه را به همراه داشته باشد و اثر منفی بر بعد درآمد سرانه شاخص توسعه انسانی بگذارد. گرچه این کاهش نیز با آثار تراوشی مثبت حاصله از بخش دفاعی، می‌تواند جبران شود (هارتلی، ۲۰۰۵).

از طرفی به‌طور کلی، ایجاد امنیت به‌عنوان یک کالای عمومی می‌تواند زمینه مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری بیشتر، پس‌انداز و درنهایت بهبود توسعه انسانی را فراهم کند. از این‌رو، این فرض مطرح می‌شود که مخارج دفاعی، می‌تواند اثری مثبت بر رشد اقتصادی داشته باشد. از طرف دیگر، هزینه‌های دفاعی از بخش‌های دیگر اقتصادی مانند بخش مصرفی خصوصی تأمین می‌گردد؛ بنابراین از لحاظ تئوریک مخارج دفاعی بر توسعه انسانی هم می‌تواند اثر مثبت داشته باشد و هم اثر منفی.

البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که در صورتی که مخارج دفاعی به نوعی تبدیل به رقابت بین کشورهای همسایه و غیر همسایه گردد باعث تخصیص غیر بهینه منابع شده و در نتیجه مخمل توسعه خواهد بود. همچنین در صورتی که مخارج دفاعی به سمت فناوری‌های دوگانه^۱ معطوف شود می‌توان از سرریز فناوری استفاده کرد و از دل فناوری‌های نظامی به سایر بخش‌ها کمک خواهد شد و در نهایت بهبود توسعه را در پی خواهد داشت.

۲-۴. پیشینه تحقیق

کواج سین یانگ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «توسعه انسانی و اثربخشی دولت» به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه انسانی می‌پردازد. وی بیان می‌کند که کیفیت منابع انسانی پایه و اساس توسعه در یک کشور است. توسعه انسانی نه تنها موجب بهبود کیفیت نیروی کار در کشور می‌شود بلکه موجب بهبود خدمات عمو می و عملکرد اقتصادی نیز هست. این مطالعه به بررسی اثر عملکرد دولت بر توسعه انسانی یک کشور با استفاده از شاخص‌های حکمرانی و روش داده‌های تابلویی می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که سطح اقتصادی و کارایی دولت رابطه مثبتی با توسعه انسانی دارند. همچنین هنگامی که سطح اقتصادی کنترل شود نیز کارایی دولت و توسعه انسانی به‌طور مثبتی در ارتباط‌اند. نتایج این مطالعه راهکار برای افزایش رفاه مردم به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌دهد.

دان و نیکولایدو (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به بررسی اثر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۶۱ پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از مدل سولوی تعمیم‌یافته و روش‌های اقتصادسنجی پانل دیتا به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش مخارج دفاعی باعث رشد و گسترش توسعه اقتصادی نمی‌شود.

کولپاس، ناکسکیسب و زرنگاسب (۲۰۰۴) در یک مطالعه موردی روی کشور قبرس بین سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۶۴ با استفاده از آزمون علیت گرانجر، نشان دادند که یک رابطه علی دوطرفه بین مخارج دفاعی و رشد اقتصادی برای این کشور وجود دارد. به بیانی دیگر، افزایش مخارج دفاعی موجب افزایش رشد اقتصادی خواهد شد و برعکس. ایشان همچنین در مطالعه دیگری در همین سال، امکان وجود رابطه بین مخارج دفاعی و رشد اقتصاد را برای ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا برای سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۶۱ بررسی کردند. با استفاده از آزمون علیت و هم‌انباشتگی، به این نتیجه رسیدند که در اغلب موارد یک رابطه علی مثبت از سمت رشد اقتصادی به سمت مخارج دفاعی وجود دارد و در جهت عکس برقرار نیست. ایشان به این نتیجه رسیدند که اکثر کشورهای اتحادیه اروپا با توجه به شرایط اقتصادی خود، تصمیم می‌گیرند که چه میزان صرف هزینه‌های دفاعی کنند.

^۱ منظور از تکنولوژی‌های دوگانه، تکنولوژی‌هایی است که علاوه بر زمینه دفاعی در زمینه‌های دیگر نیز کاربرد داشته باشد مانند تحقیقات هوا فضا.

یلدیریم، سزگین و اوکال (۲۰۰۵) اثر مخارج دفاعی را بر رشد و توسعه اقتصادی در یک پانل از کشورهای خاورمیانه و ترکیه مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با استفاده از روش تخمین داده‌های پانل پویا برای سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۸۹ به این نتیجه رسیدند که مخارج دفاعی در این کشورها تأثیر مثبت و معناداری بر رشد و توسعه اقتصادی آن‌ها دارد.

ناهویو (۲۰۰۹) در مطالعه خود به بررسی علل و اثرات مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی کشور هند پرداخته است. وی از سه جنبه بر این موضوع متمرکز شده است: مشکل امنیت، مسئله هسته‌ای و تأثیرات اقتصادی. وی ابتدا وجود مسابقه تسلیحاتی بین هند و پاکستان را با استفاده از مدل عمل و عکس‌العمل ریچاردسون و تحلیل هم‌انباشتگی بررسی کرد. نتایج تجربی شواهدی قوی مبنی بر حمایت از وجود یک مسابقه تسلیحاتی پایدار میان هند و پاکستان با وجود شکست ساختاری و محاسباتی، ارائه کرد. دوم، نتایج نشان می‌دهد که مخارج دفاعی هند به‌طور عمده تحت تأثیر سطح درآمد، وضع سیاسی، تهدید پاکستان و جنگ‌های خارجی درازمدت و کوتاه‌مدت قرار دارد. سوم، در بررسی رابطه بین مخارج دفاعی و رشد اقتصادی در هند و در دامنه‌ای گسترده‌تر برای داده‌های مقطعی و پانل ۳۶ کشور در حال توسعه، وجود اثر منفی و معنادار مخارج دفاعی بر رشد اقتصاد در هر دو مورد تأیید شده است.

سامتی و همکاران (۲۰۰۸) در مقاله‌ای به بررسی نقش ترکیب بودجه دولت بر شاخص توسعه انسانی به‌عنوان نماینده رفاه اجتماعی طی دوره‌ی ۱۳۸۲-۱۳۶۰ در ایران پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که مخارج موزون و درآمدهای نفتی دولت بر رفاه اجتماعی اثر مثبت دارد؛ که مخارج آموزشی، بهداشتی و بهزیستی به ترتیب دارای بیشترین وزن در مخارج موزون دولت هستند. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که ضریب هزینه‌های نظامی دولت بر رفاه اجتماعی علامت مثبت دارد ولی این ضریب از نظر آماری معنی‌دار نیست.

پور صادق، کاشمری و افتخاری شاهی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای اثر مخارج دفاعی بر رشد و توسعه اقتصادی ایران را طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۵۳ با در نظر گرفتن هشت سال جنگ تحمیلی و واقعه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ بررسی کردند. بدین منظور از مدل تولید سنتی استفاده شده است که تأثیر زیادی بر رشد اقتصادی داشته‌اند. به عبارتی افزایش سهم مخارج دفاعی در تولید ناخالص داخلی منجر به بهتر شدن تراز تجاری شده و اثری مثبت بر بهبود رشد اقتصادی داشته است. متغیرهای نیروی کار و تولید ناخالص داخلی سرانه، تأثیر مثبت بر رشد اقتصاد از خود نشان داده‌اند. همچنین این بررسی، تأثیر متغیرهای جنگ و واقعه ۱۱ سپتامبر بر رشد اقتصادی را منفی نشان داده است.

بختیاری و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان تحلیل تأثیر اجزاء مخارج دولتی بر توسعه و رفاه: مقایسه تطبیقی کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه، با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی، به بررسی و مقایسه تأثیر اجزای مخارج دولتی بر مؤلفه‌های توسعه و رفاه در کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه در طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که

اگرچه اثر مخارج امور عمومی، اجتماعی و اقتصادی بر توسعه و رفاه کشورهای توسعه‌یافته مثبت است، اما تنها تأثیر مخارج امور اجتماعی از نظر آماری معنادار است. همچنین نتایج مربوط به کشورهای در حال توسعه نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار مخارج امور عمومی و اقتصادی بر توسعه و رفاه این کشورهاست، اما ضریب مخارج امور اجتماعی علیرغم مثبت بودن آن از نظر آماری معنادار نشده است. همچنین نتایج این تحقیق حاکی از اثر منفی و معنادار مخارج امور دفاعی در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه است.

۳. ارائه الگوی تجربی تحقیق

در این تحقیق برای اینکه اثر مخارج دفاعی بر شاخص توسعه انسانی کشورهای مورد مطالعه بررسی شود، از مدل گومن و همکاران (۲۰۰۵) در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی مبتنی بر داده‌های تابلویی استفاده شده است. در این مطالعه از شاخص توسعه انسانی به‌عنوان نماینده رفاه و توسعه و متغیر وابسته استفاده شده است. با توجه به اینکه چهار گروه از کشورها با درجات توسعه‌یافتگی مختلف مورد بحث هستند، چهار الگو برآورد می‌شود. مدل مورد استفاده در این تحقیق برای محاسبه تأثیر مخارج دفاعی بر شاخص توسعه انسانی به شکل زیر است.

$$HDI_{it} = F(LGDPP_{it}, GGE_{it}, EGE_{it}, HGE_{it}, DGE_{it})$$

$$HDI_{it} = \beta_0 + \beta_1 LGDPP_{it} + \beta_2 GGE_{it} + \beta_3 EGE_{it} + \beta_4 HGE_{it} + \beta_5 DGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که متغیرهای مورد استفاده در مدل بالا در جدول (۱) در ادامه شرح داده شده است.

جدول شماره (۱) معرفی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق

متغیر	نماد	شرح	مأخذ جمع‌آوری داده
شاخص توسعه انسانی	HDI	میانگین وزنی سه شاخص امید به زندگی، آموزش، درآمد	برنامه توسعه سازمان ملل متحد ^۱
تولید ناخالص داخلی سرانه	GDPP	تولید ناخالصی داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید و به قیمت‌های ثابت ۲۰۱۱	بانک جهانی
مخارج عمومی دولت	GGE	نسبت مخارج امور عمومی دولت به GDP	بانک جهانی
مخارج آموزشی دولت	EGE	نسبت مخارج آموزشی دولت به GDP	بانک جهانی
مخارج دولت در زمینه بهداشت	HE	نسبت مخارج دولت در زمینه سلامت و بهداشت به GDP	بانک جهانی
مخارج دفاعی دولت	DGE	نسبت مخارج دفاعی به GDP	بانک جهانی

منبع: یافته‌های محقق

^۱ UNDP

برای برآورد الگوی معرفی شده تحقیق، داده‌ها برای چهار گروه منتخب کشورهای^۱ با درجات توسعه‌یافتگی مختلف طی ۱۵ سال از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ جمع‌آوری شده است. گروه اول کشورهای با درجه توسعه‌یافتگی پایین که مقدار شاخص توسعه انسانی کمتر از ۰/۵ هست. گروه دوم شامل کشورهای منتخب با درجه توسعه‌یافتگی متوسط که مقدار شاخص توسعه انسانی آن‌ها بیشتر از ۰/۵ و کمتر از ۰/۷ است. گروه سوم شامل کشورهای منتخب با درجه توسعه‌یافتگی بالا که مقدار شاخص توسعه انسانی آن‌ها بیشتر از ۰/۷ و کمتر از ۰/۸ است و در نهایت گروه چهارم مربوط به کشورهای با درجه توسعه‌یافتگی بالا است که مقدار شاخص توسعه انسانی بیشتر از ۰/۸ دارند. مآخذ داده‌های آماری بانک جهانی هست.

۴. نتایج برآورد الگو و تفسیر نتایج

مراحل برآورد الگو در داده‌های پانلی، انجام آزمون مانایی، انجام آزمون F لیمر و آزمون هاسمن و سپس برآورد نهایی الگوها بر اساس نتایج حاصل از مراحل بالا است. با توجه به حجم بالای خروجی‌های الگوها، مهم‌ترین نتایج جبری تحقیق در جدول (۲) خلاصه شده است.

در صورتی که بخواهیم مقایسه‌ای در خصوص نتایج حاصل از برآورد الگوها در چهار گروه منتخب کشورهای داشته باشیم باید روی تک‌تک متغیرها و نوع و میران اثرگذاری آن‌ها بر شاخص توسعه انسانی بحث کنیم. جدول (۲) که ضرایب برآوردی هر یک از متغیرها در ۴ گروه کشورهای را نمایش می‌دهد امکان مقایسه نتایج را تسهیل می‌کند. در خصوص متغیر مستقل اول، شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه در هر چهار گروه کشورهای اثر مثبت و معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارد. با توجه به اینکه سطح درآمد مستقیماً بر شاخص‌های رفاه از جمله آموزش و بهداشت تأثیرگذار است، بنابراین افزایش تولید سرانه که منجر به افزایش درآمد می‌شود باعث بهبود شاخص توسعه انسانی می‌شود که نتیجه حاصل از برآورد الگو در هر چهار گروه کشورهای منطبق بر مبانی نظری و مطالعات پیشین نظیر لیم (۱۹۸۳)، فنی و همکاران (۱۹۸۶)، هنگ و میننتز (۱۹۹۱)، گومن و همکاران (۲۰۰۵) و یختیاری و همکاران (۱۳۹۳) می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ شانزده کشور منتخب با درجه توسعه یافتگی بسیار بالا که شامل نروژ، استرالیا، سوئیس، آلمان، دانمارک، سنگاپور، هلند، کانادا، ایالات متحده آمریکا، نیوزلند، انگلستان، ژاپن، کره جنوبی، فرانسه، قطر و روسیه می‌باشند و ۱۰ کشور با درجه توسعه یافتگی بالا که عبارتند از بلاروس، عمان، بلغارستان، مالزی، جمهوری اسلامی ایران، لبنان، پرو، تونس، کلمبیا و اوکراین و ۷ کشور با درجه توسعه یافتگی متوسط که شامل مصر، پاراگوئه، آفریقای جنوبی، هند، غنا، پاکستان و نپال و ۷ کشور با درجه توسعه یافتگی پایین که عبارتند از آنگولا، کامرون، سودان، موریتانی، توگو، گامبیا و بنین.

جدول شماره (۲) ضرایب برآوردی هریک از متغیرها در ۴ گروه کشورها (متغیر وابسته: شاخص توسعه انسانی)

متغیرهای مستقل	گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم
تولید ناخالص داخلی سرانه	۰/۱۵۹۷***	۰/۱۰۴۱***	۰/۱۵۸۶***	۰/۱۴۲۳***
مخارج عمومی دولت	۰/۰۰۰۶	-۰/۰۰۷۳***	۶/۳۳	-۰/۰۰۰۱
مخارج آموزشی دولت	-۰/۰۰۲۴	-۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۳۲	۰/۰۱۵۸***
مخارج دولت در زمینه بهداشت	۰/۰۰۷۰***	۰/۰۰۲۰۲***	۰/۰۰۷۶**	۰/۰۰۴۹*
مخارج دفاعی دولت	-۰/۰۰۶۷***	۰/۰۰۳۴**	-۰/۰۱۵۲***	-۰/۰۰۰۸
عرض از مبدأ	-۰/۸۵۰۳***	-۰/۲۲۰۷*	-۰/۷۷۲۸***	-۰/۷۱۲۴***
F لیمر	۱۲۹/۰۵۳۸	۳۷/۳۰۰۰	۶۳/۴۶۴۰	۱۷/۴۷۲۷
	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)
هاسمن	۴۲/۱۹۷۰	۲۱/۷۰۶۹	۳۸۰/۷۱۲۸	۳۳/۲۲۷۰
	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)
R2	۰/۹۷	۰/۸۸	۰/۹۸	۰/۸۸

اعداد داخل پرانتز احتمال را نشان می‌دهد.

علامت‌های *، ** و *** به ترتیب نشان‌دهنده معنادار بودن ضرایب در سطوح خطای ۱۰، ۵ و ۱ درصد است.

منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews9

شاخص مخارج عمومی دولت (GGE) همان‌طور که در جدول (۲) مشخص است در گروه کشورها با درجات توسعه‌یافتگی بسیار بالا، متوسط و پایین اثر معنادار بر شاخص توسعه انسانی ندارد درحالی‌که اثر این شاخص بر توسعه انسانی کشورهای منتخب با درجه توسعه‌یافتگی بالا (گروه دوم) که شامل ایران هم هست منفی، ضعیف و معنادار است. این نتیجه از لحاظ معناداری هماهنگ با مطالعات قبلی است. در مطالعات قبلی کشورها به دودسته کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای درحال توسعه تقسیم‌بندی شده‌اند و این ضریب برای کشورهای توسعه‌یافته بی‌معنی و برای کشورهای درحال توسعه معنادار است. معناداری یا عدم معناداری یک ضریب یا حتی متفاوت بودن علامت یک متغیر در دو گروه مختلف کشورها کاملاً طبیعی و منطبق بر مطالعات تجربی پیشین است چراکه تغییر قلمرو مکانی یک تحقیق مسلماً بر نوع اثرگذاری یک متغیر تأثیر می‌گذارد. شاخص مخارج آموزشی دولت (EGE) فقط در گروه منتخب کشورها با درجه توسعه‌یافتگی پایین معنادار است و اثر مثبت بر شاخص توسعه انسانی دارد و در سایر گروه کشورها اثر این شاخص بی‌معنا هست. با توجه به اینکه آموزش یکی از متغیرهای اصلی شاخص توسعه انسانی هست افزایش مخارج این بخش می‌تواند با کاهش بی‌سوادی و افزایش سطح سواد جامعه باعث افزایش شاخص رفاه شود؛ اما اینکه چرا ضریب مخارج آموزشی در سایر کشورها معنی‌دار نشده است جای بحث دارد این امکان وجود دارد که در این کشورها مخارج امور آموزشی به‌طور مناسب بین بخش‌های آن با توجه به اولویت‌های موجود تخصیص داده نشده و به همین دلیل این مخارج نتوانسته‌اند تأثیرگذاری و کارایی لازم را روی توسعه و رفاه داشته باشند.

شاخص مخارج دولت در زمینه بهداشت (HGE) در تمام گروه‌ها تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارد. بهداشت و سلامت از طریق کانال‌های مختلفی می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم، سطح تولید و درآمد یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. اولین کانال، کارایی بهتر کارگران سالم در مقایسه با دیگران است. کارگران سالم بیشتر و بهتر از دیگران کار می‌کنند و ذهن خلاق و آماده‌تری دارند. همچنین ارتقای بهداشت باعث می‌شود که سرمایه انسانی از طریق انباشت سرمایه بهداشتی، افزایش یافته و به صورت مستقیم بر تولید و رشد اقتصادی تأثیر داشته باشد از سوی دیگر، بهبود سلامت از طریق افزایش طول عمر و کاهش روزهای کاری که نیروی کار به خاطر بیماری خود یا بستگانش از دست می‌دهد باعث افزایش ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی شده و به طور غیرمستقیم تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین ارتقای بهداشت و شاخص‌های بهداشتی در جامعه با کاهش مرگومیر و افزایش امید به زندگی، افراد را به پس‌انداز بیشتر تشویق خواهد کرد. به دنبال افزایش پس‌انداز در جامعه، سرمایه‌گذاری افزایش یافته و این موضوع به افزایش تولید منجر خواهد شد. نتایج برآورد در خصوص این شاخص در تمام گروه کشورها منطبق با مبانی نظری و مطالعات تجربی است.

شاخص مخارج دفاعی دولت (DGE) در تمام گروه‌ها به جز گروه منتخب کشورها با درجه توسعه‌یافتگی پایین اثر معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارد. اثر این شاخص در گروه کشورها با درجه توسعه‌یافتگی بسیار بالا منفی و ضعیف و در گروه کشورها با درجه توسعه‌یافتگی متوسط منفی و محسوس‌تر از کشورها با درجه توسعه‌یافتگی بسیار بالا است؛ که این نتیجه کاملاً منطبق با مطالعات قبلی است. همان‌طور که قبلاً گفته شد اثر منفی مخارج دفاعی بر توسعه انسانی، دلالت بر این دارد که طی دوره موردبررسی، اثرات یا برون‌زایی‌های مثبتی از طرف مخارج دفاعی برای توسعه جامعه وجود نداشته است. با توجه به این‌که کشورهای درحال توسعه با کمبود منابع مالی روبرو هستند و تزریق منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری در بخش دفاعی به واسطه کمبود منابع باعث می‌شود سایر بخش‌ها با مشکل تأمین مالی مواجه شود، این اثرگذاری منفی می‌تواند در این کشورها بیشتر باشد همچنان که مقدار ضرایب برای دو گروه کشورها نیز نشان‌دهنده این موضوع است. نتیجه تأثیر منفی مخارج امور دفاعی بر توسعه انسانی با مطالعات تجربی نظیر لیم (۱۹۸۳)، فنی و همکاران (۱۹۸۴) و هنگ و میننتز (۱۹۹۱)، گومن و همکاران (۲۰۰۵) و بختیاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد. اثر شاخص مخارج دفاعی دولت بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورها با درجه توسعه‌یافتگی بالا شامل جمهوری اسلامی ایران، مثبت و معنادار است. همان‌طور که قبلاً نیز عنوان شد موضوع اقتصاد و رابطه آن با نظامی‌گری، بحث بسیار مهم و پیچیده‌ای است که از زوایای مختلف قابل تأمل و بررسی است. اقتصاد از ناحیه فعالیت‌های نظامی می‌تواند هم رشد یابد و هم مورد آسیب قرار گیرد. امنیت، یک کالای عمومی است و همان‌طور که آدام اسمیت (۱۹۹۵) مطرح کرده است، همه دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با صرف مخارج دفاعی، امنیت شهروندان خود را تأمین کنند. با توجه به اثرات خارجی امنیت، تقویت توان دفاعی یک کشور برای دیگر کشورها حائز اهمیت است؛ به این معنی که مسلح شدن یک کشور برای دیگر کشورها می‌تواند تبعات مثبت یا منفی داشته باشد. ایجاد امنیت به‌عنوان یک کالای عمومی و مهم‌ترین خروجی مخارج دفاعی در کشورهای مورد مطالعه که ناشی از افزایش سرمایه‌گذاری و مخارج در بخش دفاعی

است، می‌تواند زمینه مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری بیشتر، پس‌انداز و درنهایت بهبود توسعه انسانی را فراهم کند.

۵. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

دولت‌ها مهم‌ترین عامل در جهت ایجاد توسعه هستند، در دنیای امروز اهدافی نظیر رفاه اجتماعی، توسعه ساختاری و بسترسازی برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی با بهره‌گیری از مخارج دولتی، به یکی از اهداف اصلی کشورها تبدیل شده که موجب بازبینی نقش دولت در سراسر جهان شده است. تعیین حدود و چگونگی دخالت دولت در حوزه فعالیت‌های اقتصادی از مهم‌ترین موضوعاتی است که همواره مورد توجه نظریه‌پردازان اقتصادی بوده است. مسلماً مخارج دولتی بر شاخص‌های کلان اقتصادی تأثیرگذار هستند. در این پژوهش تأثیر یک سری از شاخص‌های مخارج دولتی بر شاخص توسعه انسانی بررسی شد و مورد تحلیل قرار گرفت. در پایان با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، پیشنهادها به صورت زیر ارائه می‌گردد:

الف) با توجه به اثر مثبت و ضعیف شاخص مخارج دولت در زمینه بهداشت بر شاخص توسعه انسانی پیشنهاد می‌شود برنامه ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی ضمن افزایش معقول هزینه‌های اختصاص یافته به برنامه‌های بهداشت و رفاه عمومی، برنامه‌ریزی در جهت پایین‌تر شدن نرخ استهلاک سرمایه انسانی را مدنظر قرار دهند. ب) با توجه به اثر مثبت شاخص مخارج آموزش بر شاخص توسعه انسانی کشورهای با درجه توسعه‌یافتگی پایین، می‌توان گفت که افزایش هدف‌دار مخارج دولتی در زمینه آموزش خصوصاً آموزش‌هایی که مهارت نیروی کار را بالا می‌برد باید مورد هدف‌گذاری این گروه باشد. همچنین با توجه به اینکه مخارج آموزشی در گروه کشورها شامل ایران اثر معنادار بر توسعه انسانی ندارد دولت در این مقطع از توسعه نباید روی مخارج آموزشی تأکید کند.

ج) اثر منفی شاخص مخارج عمومی در گروه کشورها شامل ایران مؤید این مطلب است در کشورهای هم سطح ایران و کشور ما مخارج عمومی بودجه را می‌بلعد درحالی‌که منفعت و بازدهی آنچنانی ندارد. از این رو پیشنهاد می‌گردد دولت صرفه‌جویی زیاد در هزینه‌های عمومی داشته باشد.

د) مخارج دفاعی دولت تنها در گروه کشورها با درجه توسعه‌یافتگی بالا شامل جمهوری اسلامی ایران تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارد. اثر شاخص مخارج دفاعی بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورها با درجه توسعه‌یافتگی بسیار بالا و متوسط، منفی است؛ و اثر این شاخص بر توسعه انسانی در گروه کشورها با درجه توسعه‌یافتگی پایین معنادار نمی‌باشد. یکی از آثار مخارج نظامی، ایجاد امنیت است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارد. توصیه‌های سیاستی قابل پیشنهاد خصوصاً برای کشورها با درجه توسعه‌یافتگی بالا شامل جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از:

۱. با توجه به اینکه مخارج دفاعی اثر مثبت و معنادار بر شاخص توسعه انسانی کشورهای شامل ایران دارد، مخارج دفاعی می‌بایست در کشور ما بسط یابد و این افزایش مخارج دفاعی بسته به اینکه در کدام مرحله از توسعه‌یافتگی هستیم می‌تواند اثرات مثبت یا منفی بگذارد و با توجه به نتایج تحقیق ایران اکنون در مرحله‌ای

از توسعه است که افزایش مخارج دفاعی اثر مثبت دارد درحالی که این افزایش برای کشورهای با درجه توسعه یافتگی بسیار بالا یا حتی متوسط اثر منفی دارد، بر این اساس بسته به اینکه کشور در کدام مرحله از توسعه باشد میزان بهینه مخارج دفاعی نیز تغییر می کند. پس در مجموع بودجه دفاعی همراه با مراحل توسعه باید تغییر کند.

۲. افزایش مخارج دفاعی باید اثرات فناورانه داشته باشد، بنابراین افزایش مخارج دفاعی در زمینه فناوری های دوگانه مانند صنایع هوافضا و صنایع موشکی معقول تر است چراکه علاوه بر اینکه در زمینه دفاعی تقویت صورت گرفته است، بخش های دیگر نیز می توانند از این فناوری ها و سرریز آن ها استفاده برده و درآمد را افزایش دهند.

۳. به دلیل اینکه قدرت نظامی تعیین کننده امنیت داخلی است، مخارج دفاعی بخش قابل توجهی از بودجه دولت را دربرمی گیرد. بررسی اینکه از چه راه هایی با هزینه کمتر می توان امنیت را تأمین کرد و اعمال کردن استراتژی های کم هزینه تر برای برقراری امنیت پیشنهاد می گردد.

۴. سرمایه گذاری در بخش های اشتغال زا و تولیدی دفاعی مانند تولید سلاح و صادرات و ارزآوری می تواند درآمد را افزایش داده و از این طریق به بهبود توسعه انسانی کمک کند.

۵. جهت جلوگیری از کاهش سرمایه برای سایر بخش های اقتصادی و تخصیص بهینه امکانات و منابع مالی می بایست حد بهینه سرمایه گذاری در بخش دفاعی با اصول علمی تعیین شود و بر اساس آن اقدام شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- بختیاری، صادق، مؤید فر، رزیتا و سرخوش سرا، علی (۱۳۹۳). تحلیل تأثیر اجزاء مخارج دولتی بر توسعه و رفاه: مقایسه تطبیقی کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال توسعه. فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال ۲۱، شماره ۸، ۴۹-۲۳.
- پورصادق، ناصر؛ کاشمری، علی و افتخاری شاهی (۱۳۸۶)، اثر مخارج دفاعی بر رشد و توسعه اقتصادی ایران، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۲۸، صص ۷۳-۱۰۰.
- حسنی صدرآبادی، محمدحسین و کاشمری، علی (۱۳۸۷). تأثیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی و اثر غیرمستقیم آن بر مصرف خصوصی در ایران (بررسی مدل طرف عرضه اقتصاد). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال هشتم، شماره ۲، ۴۰-۲۵.
- شریفی، نورالدین و عزیزاده، محمد (۱۳۸۱). اثر مخارج دولت بر اقتصاد منطقه با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی، مطالعه موردی استان گلستان. پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۳، ۵۶-۳۳.
- ملاسمعیلی دهشیری، حسن و شریفی رنانی، حسین (۱۳۹۲). بررسی اثر رشد اقتصادی بر شاخص توسعه انسانی در گروه منتخب کشورهای منطقه منا: رهیافت خود رگرسیون برداری تابلوبی. راهبرد توسعه، شماره ۳۶، ۱۸۶-۲۰۰.

منابع لاتین

- Dunne, P. and Nikolaidou, E. (2012), "Defense Spending and Economic Growth in the EU15", *Defense and Peace Economics*, 236pp.537-548.
- Dunne, P. Smith, R. & Willenbockel, D. (2005). *Models of Military Expenditure and Growth: A Critical Review. Defense and Peace Economics*, 16(6), 449-461.
- Faini, R. Annez, P and Taylor, L. (1984). *Defence Spending, Economic Structure and Growth: A Critical Review and Peace Economics*, 16(6), 449-461.
- Gomanee, K. Morrissey, O. Mosley, P and Verschoor, A. (2005). "Aid, government expenditure, and aggregate welfare". *World Development*, Vol.33, No. 3, PP. 355-370.
- Gomanee, K. Morrissey, O. Mosley, P and Verschoor, A. (2005), *Aid, government expenditure, and aggregate welfare. World Development*, Vol.33, No. 3, PP. 355-370.
- Hartly, K. (2005). *Defense Spending and its Impact on the National Economy. Center of Defense Economics*, University of York.
- Huang, C and Mintz, A. (1991). *Defense Expenditures and Economic Growth: the externality effect. Publishing models and article dates explained*, Vol.3, No.1, PP.35-40.

- Lim, D. (1983), Another look at Growth and Defense in Less Developed Countries. *Economic Development and Cultural Change*, Vol.31, No.2, PP.377-384.
- Myo, K. M. (2013). Military Expenditures and Economic Growth in Asia. *Annual International Conference on Economics and Security*, Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), 1-50.
- Narayan, P. K. & Smyth, R. (2009). "A Panel Data Analysis of the Military Expenditure-External Debt Nexus: Evidence from Six Middle Eastern Countries". *Journal of Peace Research*, 34, 235-250.
- Sameti, M. Mollaesmaeili-Dehshiri, H. (2012), Impact of Human Development Index and Rule of law to Attract Foreign Direct Investment in Selected Developing Countries, International Conference on Publish Policy and Governance, September 2012, J.N Tata Auditorium, Indian Institute of Science, Bangalor, India.
- Smith, R. (1995), Demand for Military Expenditure. In Hartley and Sandler, Amsterdam, 69-88.
- Yildirim, J. Ocal, N. & Keskin, H. (2011). "Military Expenditure, Economic Growth and Spatial Spillovers: A Global Perspective". *International Conferenre on Applied Economics*, 811-82v.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی